

**محمد توسلی**

دبیرکل نهضت آزادی ایران

صحت بنده درباره تبیین علل ماندگاری نهضت آزادی ایران است. به‌طور خلاصه علت اصلی ماندگاری و ادامه نهضت آزادی ایران، بینش، منش و دیدگاه راهبردی پیشگامان برای پیگیری مطالبه تاریخی ملت ایران، یعنی آزادی بوده است. فرایند تلاش‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آنان در طول بیش از هشتاد سال نشان از انسجام، کار جمعی و واقع‌بینی بوده و با مرور زمان حتی مخالفان گذشته آنان با صداقت بر صحت مواضع آنان

## ماندگاری گفتمان پیشگامان نهضت آزادی

اعتراف کرده و جمعی نیز حلالیت طلبیده‌اند. در این فرصت مایلیم به علل و زمینه‌های تاریخی فرایند بپردازم و بخشی از نقدهایی که به‌ویژه در شرایط کنونی برای نسل جوان جامعه مطرح است، پاسخ دهم. علت ماندگاری نهضت آزادی ایران در این سخن مهندس بازرگان که اندیشه‌راهبردی اوست، در بیانیه تاسیس نهضت آزادی ایران در اردیبهشت ۱۳۴۰ منعکس است. آنجا که می‌گوید: «آزادی موهبتی است الهی که خداوند به انسان اعطا کرده است و هر کسی آزادی را بکیرد، بزرگترین جنایت را در حق انسان مرتکب می‌شود. در انتها اضافه می‌کنم اقتضای اطاعت از خدا مبارزه با بندگی غیر او و شرط سیاسی آزادی تحصیل آزادی برای به کار بستن آن در طریق حق و عدالت و خدمت است. ما باید منزلت و مسئولیت خود را در جهان خلقت بشناسیم تا به رستگاری و پیروزی نائل شویم. مردم نگران امنیت هستند، خسته از استبداد و اختناق هشت‌ساله و رنجور از سختی معیشت و شرمسار از ننگ زدنی و خیانت هیئت حاکمه‌ای که متأسفانه نام ایران و ایرانی را آلوده ساخته

کنار الهیار صالح، مهندس زیرک‌زاده و دکتر سنجنایی و... مؤسس آن شدند. در سال ۱۳۴۰ نهضت آزادی از دل همین جبهه ملی شکل گرفت با همان ۴ اصل «ما مسلمانییم، ایرانی هستیم و مصدقی هستیم» آنها اعلام کردند که نهضت در عرض جبهه ملی نیست بلکه در طول آن قرار دارد اما در آن دوره متأسفانه ۴ نفر از این تشکل تازه‌تاسیس شده، بیانیه‌ای را منتشر کردند که سران جبهه ملی را به مطالبی که واقعی نبود متهم کردند و هتاک‌هایی صورت گرفت. در همان زمان شورای جبهه ملی به درخواست نهضت ملی جواب داد که

است. خواهان سرنوشت بهتر، رهایی از ننگ و نکبت و استقرار یک حکومت ملی و سازنده ایرانی پاک و آباد و آزاد است.» این نگاه کاملاً روشن است که چه نگاه راهبردی برای پیشگامان تاسیس نهضت آزادی ایران مطرح بوده است. برای تبیین علل ماندگاری گفتمان پیشگامان نهضت آزادی ایران به‌اختصار به عوامل ذیل در دو بخش اشاره می‌کنم. در بخش اول زمینه‌های خانوادگی و شخصیت و سلوک اخلاقی مهندس بازرگان و سایر پیشگامان در عرصه‌های مختلف زندگی فرهنگی، اجتماعی، علمی و سیاسی و مبنای دیدگاه راهبردی آنان را باید مورد نظر قرار داد. آشنایی با آموزه‌های قرآنی و انتخاب راهبرد بازگشت به قرآن برای عبور از خرافات مذهبی از شهریور ۱۳۲۰، آشنایی با ریشه‌های تاریخی بحران‌های فرهنگی و اجتماعی ایران در عرصه‌های استبداد سیاسی ۲۵۰۰ ساله و استبداد دینی ناشی از خرافات مذهبی هزارساله و پیامدهای آن، از جمله چالش‌های فرهنگی و اجتماعی در دوره انقلاب مشروطه که پس از چهارده سال منجر به کودتای ۱۲۹۹ با مدیریت عوامل انگلیس و تجربه دودهه عملکرد دوران استبدادرضاخان می‌شود. محور بعدی آشنایی با جوهر تمدن غرب و تحولات پس از قرون وسطی که زمینه‌های تحولات اجتماعی فراهم ساخت، به‌ویژه در دوران تحصیل مهندس بازرگان که از نزدیک با این واقعیت آشنا شدند.

تکلیف این ۴ نفر باید مشخص شود و این تشکل با این نگاه نمی‌تواند وارد جبهه شود. نهضت آزادی هم سر اینکه این ۴ نفر عضو این تشکل هستند، ایستاد و جدایی‌هایی به وجود آمد. شکاف میان ملیون از آن زمان شروع شد. نهضت آزادی فعالیت شجاعانه و صادقانه خود را انجام داد. متأسفانه شکاف پیش آمده میان نهضت و سایر ملیون به‌زمان انقلاب و تا به الان ادامه پیدا کرد. اگر این تفرق بین ملیون وجود نداشت شاید الان وضعیت اینگونه نبود و وحدت‌انگمی‌ها می‌توانست آثار مثبتی را در پی داشته باشد.

## قصه يك جدایی

**سیدحسین موسویان**

عضو جبهه ملی ایران

می‌خواهم نگاهی گذرا به گذشته نهضت آزادی و دلیل جدایی اش از جبهه ملی داشته باشم. از همان فرادای کودتای

## به نهضت افتخار می‌کنیم

و اگر به توسعه جوامع و کشور بخواهیم فکر کنیم بدون علم و استفاده از آن ممکن نیست. آثاری که از راهبران این تشکل باقی مانده است مبتنی بر همین نگاه است. دینی که عرضه می‌شود باید با این دو ویژگی همراه باشد؛ اگر جامعه ایران بخواهد از انحطاط و عقب‌ماندگی نجات پیدا کند و بخواهد پویا و فعال باشد باید با این دو ویژگی همراه باشد. در این بین شکاف بین آن اسلامی که در آن عقلانیت هست و قرآن کریم به تعبیر علامه طباطبایی ۳۰۰ آیه در باب عقلانیت، دعوت به تفکر و تدبیر دارد با آنچه امروز هست و به ترویج خرافات و... پرداخته است؛ باید مورد توجه قرار گیرد. همین موجب شده است که جوامعی که مانند ما علاقه به دین داشتند دچار تردید و حتی یأس شده‌اند. امروز شاید یکی از مسائلی که باید در چنین تشکل‌هایی در کنار آزادی خواهی و پذیرش دگراندیشان مطرح شود، این است که در مقابل مسائل دینی باید سرشان را بلند کنند و در این زمینه نباید بترسند و اسلام واقعی را باید در برابر اسلام قلابی قرار دهند. به تعبیر امیرالمومنین «این پوستین وارونه است.» امروزه به دلیل وضعیت پیش آمده سخنان روحانیونی شنیده می‌شود که سخنان‌شان شباهتی به سیره پیامبر و سیره امیرالمومنین ندارد مثلاً همین «گوشت‌تلیخی» و... که به ائمه نسبت می‌دهند. موضع روشن ما درباره دین باید اتفاق بیفتد و در این زمینه نه باید مایوس باشیم و نه خجالت بکشیم. ما به نهضت که در این مسیر گام برداشته است، افتخار می‌کنیم و نهضت هم با تکیه بر ایمان، علم و عقلانیت باید راهش را ادامه دهد.

**محمدعلی ایازی**

استاد حوزه و دانشگاه

صحبت من در دو بخش کوتاه است. اول؛ نهضت آزادی ایران نقطه‌عطفتاریخی بود که در پی آن تشکیلاتی باتکیه بر دین و مذهب کار خود را شروع کرد تا جایی که آن زمان حتی در دانشگاه‌ها نمازخواندن مقبول نبود، به کوشش این‌ها نمازخواندن در آن دوره باب شد. این تشکل هم اندیشه عدالتخواهی را داشت و هم اندیشه آزادی خواهی. دوم، حضور روحانیون نواندیش در حول این تشکل که یا در نهضت آزادی یا مرتبط با آنها بودند. آیت‌الله طالقانی بودند و افراد دیگری مانند آیت‌الله مرتضی مطهری، استاد محمدتقی شریعتی و دکتر بهشتی که در جلسات مختلف مانند انجمن اسلامی مهندسین و انجمن اسلامی پزشکان با این تشکل ارتباط پیدا کردند و این برای یک تشکل در آن زمان حائز اهمیت بود.

حال به دو موضوع که این جریان دینی و روحانی به آن تکیه می‌کرد؛ اشاره می‌کنم. اول؛ مسئله تکیه بر عقلانیت که تفاوت جدی آنها با سایر جریان‌های دینی آن زمان بود. این را در سخنان، آرا و موضع‌گیری‌های آنها می‌توان دید و به جز آن نگاه سیاسی که وجود داشت تکیه بر عقلانیت در کار و تصمیمات‌شان اثرگذار بود. دوم، مسئله علم است. ما شاهد جریان‌ات مذهبی هستیم که به دنبال غلوها و خرافات و چیزهایی هستند که با حقیقت دین و جایگاهی که قرآن درباره معارف خودش بیان می‌کند سازگار نبود

عثمانی در جهان اهل سنت معنای خاصی داشت که در جهان شیعیان قابل درک نیست. چون آنها خلافت را بخشی از هویت دینی خود می‌دانند و سقوط این خلافت یعنی گرفتار آمدن در یک بحران هویت. در همین دوره احزاب ناسیونالیست این حس را نداشته‌ند و از همین زمان ما شاهد افتراقی در میان مسلمانانی که تا این زمان در احزاب ناسیونالیستی فعالیت می‌کردند، هستیم و به تدریج می‌بینیم احزابی با صبغه اسلامی و در واکنش به این بحران هویت و در مقابله با استعمار غرب شکل می‌گیرند که عمده برنامه و پروژه‌شان احیای خلافت اسلامی است. از جمله مهمترین این احزاب می‌توان به اخوان المسلمین حسن البنا، جماعت اسلامی به رهبری ابوالاعلی مودودی در شبه‌قاره در سال ۱۹۴۱ و حزب التحریر در فلسطین در سال ۱۹۵۳ اشاره کرد. این احزاب دو ویژگی داشتند که اولاً حول محور یک چهره روحانی یا مسلمان شناخته‌شده شکل گرفتند؛ چیزی که پیش از این سابقه نداشت و هدف‌شان عمدتاً احیای خلافت اسلامی یا برپایی دولت اسلامی بود. در ایران هم تا حدودی این روند طی شد البته با وجود تفاوت‌هایی که به یکی از آنها اشاره کردم. ما هم از دهه ۲۰ به بعد شاهد شکل‌گیری احزاب با گرایش‌های ناسیونالیستی هستیم که نهایتاً در جبهه ملی گردآمده‌اند و در همین دوران مسلمانان در قالب

انجمن‌های مذهبی و نشریات مذهبی دست به فعالیت مذهبی و اجتماعی می‌زدند و فعالیت سیاسی بازری نداشتند و مسلمانان هم که خواهان فعالیت سیاسی بودند در همین احزاب ملی فعالیت می‌کردند. از اواخر دهه ۲۰ شاهد شکل‌گیری احزاب با گرایش‌های دینی هستیم. حزب فدائیان اسلام در سال ۱۳۲۰ (اگر بنشود آن از حزب دانست) از جمله این احزاب است که به‌دنبال حکومت اسلامی است یا حزب ملل اسلامی که توسط آسیده‌محمدکاظم بجنوردی که با مثنی مسلحانه و با هدف برپایی حکومت اسلامی شکل گرفت و خیلی زود سرکوب شد. نهضت خدایپرستان سوسیالیست هم هست که البته نمی‌شود آن را جز احزاب اسلامی دانست.

حالا با این مقدمه می‌خواهم بگویم که نهضت آزادی ایران، اولین حزب دارای گرایش ملی و دینی است که به دور از گرایش‌ات رادیکال و افراطی، به اسلام به مثابه راهنمای عمل سیاسی و اجتماعی باور دارد و خواهان مبارزه پارلمنتاریستی است. هرچند نهضت از سوی رژیم پهلوی تحمل نشد و عمر فعالیت رسمی او در آن مقطع کوتاه بود اما به گمان من آغازگر سنت جدید در مبارزات سیاسی اجتماعی مسلمانان ایران در سطح فعالیت‌های حزبی است. شاید بتوان گفت که در میان احزاب دارای مشی اسلامی در میان احزاب کشورهای اسلامی پیشگام باشد(نیاز به تحقیق بیشتر

**مهرشیمی**

شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۳

سال سوم • شماره ۵۰۹

www.hammihanonline.ir

**گزارش خبری**

### دولت درصدد انحراف افکار عمومی از پرونده چای دیش

روز گذشته روابطعمومی دفتر حسن روحانی، به‌ادعاهای معاون حقوقی رئیس دولت سیزدهم درباره پرونده «خروج غیرقانونی اموالی نظیر ۴۸ تخته فرش دستباف نفیس و گران‌قیمت از ساختمان حافظیه سعدهآباد» و کنش نشان داده و مطرح کردن این پرونده را یک استراتژی دانست که دولت سیزدهم به کمک آن سعی دارد افکار عمومی را از پرونده پر و پیمان چای دیش منحرف کند. ۲۵ اردیبهشت‌ماه غلامحسین محسنی‌زاده‌ای، رئیس قوه قضائیه از احضار و تفهیم اتهام دو وزیر سابق، معاون وزیر و سرپرست برخی نهادها در پرونده چای دیش خبر داده و گفت: «پرونده چای دیش را دولت و قوه‌قضائیه مطرح کردند. وقتی اولین خبر به آقای مخبر رسید در راستای بر خورد اداری، بر برخی افراد را جابه‌جا کرد. زمانی که گزارش به قوه قضائیه، وزارت اطلاعات و بازرسی داده شد، این موضوع را دنبال و پیگیری کردند. این پرونده به مبلغ ۲ میلیارد دلار و ۴۰۰ میلیون عدد ریال است و نمی‌توان نسبت به آن بی تفاوت بود و تاکنون ۴۵ نفر در رابطه با چای دیش تفهیم اتهام شده‌اند.»

#### ▼ برخورد با افرادی که فرش‌ها را بیرون بردند

دوروز پس از اظهار نظر زاده‌ای بود که محمد دققان، معاون حقوقی دولت سیزدهم در حاشیه نشست هیئت دولت، از پیگیری‌های معاونت حقوقی، مرجع قضایی که موضوع فرش‌های کاخ سعدهآباد به نتیجه خوبی در این مورد رسیده است، خبر داد و تأکید کرد: «اصل جرم برای مرجع قضایی کاملاً محرز شده است، تعدادی از متهمان را نیز دعوت و از آنان بازجویی کردند؛ به‌زودی نیز قاضی پرونده از مکان سابق این فرش‌ها بازدید می‌کند. امیدواریم این پرونده هر چه زودتر به‌رای برسد یا اینکه امکان استرداد این فرش‌ها فراهم شود. البته باید با کسانی در هر مقامی که مرتکب جرم شدند، برخورد شود.» معاون حقوقی رئیس‌جمهور گفت: «دستگاه قضایی این گمان را دارد که این فرش‌ها به خارج از کشور منتقل شده باشند، اما در هر صورت تصمیم با قاضی است و امیدواریم پیگیری‌های دستگاه قضایی هم منجر به بازگشت این فرش‌ها و هم مجازات کسانی شود که در دولت گذشته این فرش‌های نفیس را از کاخ سعدهآباد خارج کردند.»

#### ▼ تمام ابعاد پرونده منتشر شود

روابط عمومی دفتر رئیس‌جمهور دوره‌های یازدهم و دوازدهم در واکنش به این موضوع نوشت: «قابل انتظار بود که پس از اعلام حکم حبس یک وزیر سابق و احضار وزیر سابق دیگر مرتبط با پرونده چای دیش، استراتژی رسانه‌ای دولت‌مدعی مردمی بودن، انحراف افکار عمومی از بزرگترین فساد ارزی رخ داده در تاریخ ایران باشد و می‌شد حدس زد که در دیگر سراغ پرونده مفقود شدن فرش‌های مجموعه سعدهآباد بروند. این بار معاون حقوقی رئیس‌جمهور دولت سیزدهم مدعی اعلام جزئیات سرقت فرش‌های سعدهآباد شده اما اطلاعات جدیدی از این پرونده ارائه نکرده است و صرفاً ادعا کرده از چند نفر از متهمان بازجویی شده است.»

وی در ادامه افزود: «مفقودی فرش‌های ساختمان حافظیه مجموعه سعدهآباد متعلق به نهاد ریاست‌جمهوری که در فاصله سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۰ رخ داده، اولین بار توسط دولت دوازدهم در سال ۱۳۹۹ گزارش و به مراجع قضایی و نظارتی ارجاع داده شده است و مسئولان دولت دوازدهم پس از طرح مجدد این پرونده توسط مقامات دولت سیزدهم، بارها تأکید کرده‌اند که از کشف جزئیات اعلام ابعاد پرونده و بر خورد با متهمان این پرونده استقبال می‌کنند. اطلاع‌رسانی درباره این موضوع برعهده دستگاه قضایی است که می‌شود، مقامات این دولت وظیفه رسانه‌ای کردن آن را برعهده می‌گیرند و چون گوش شنوایی برای انتقادات و انتظارات دیگران ندارد، حتی پاسخ‌های داده‌شده قبلی را هم نمی‌شنوند و نمی‌خوانند تا اشتباهات خود را تکرار نکنند. دولت سیزدهم چون محصول فقدان رقابت در انتخابات است، تا امروز که به سال پایانی رسیده، خود را در رقابت فرضی با دولت قبل می‌بیند و سعی می‌کند با ایجاد جوسازی رسانه‌ای تمام‌ناگامی‌ها و کاستی‌های خود را با حمله به دولت قبل پنهان کند؛ از اتهامات درباره فساد چای دیش که دامن وزیران خودش را گرفت تا پرونده فرش‌های سعدهآباد که به جای سخنگوی دستگاه قضا، معاون حقوقی رئیس‌جمهور درباره سیر قضایی آن توضیح می‌دهد تا به خود خیال افکار عمومی را به سمت دیگری سوق دهد؛ شیوه نخبه‌مآد‌های که ترمبون‌های رسانه‌ای دولت سیزدهم ادامه می‌دهند و اقبالی هم ندارند.»